

## نسبت بین آگاهی و گرایش به عرفان اسلامی در فرایند هویت‌یافتگی<sup>۱</sup>

زهرة لطیفی \*

نسیم استکی آزاد \*\*

E-mail: Z\_yalatif@es.isfpnu.ac.ir

E-mail: Azad.psy@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۵

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین میزان آگاهی و گرایش به عرفان اسلامی و عرفان‌های کاذب با هویت‌یافتگی در دانشجویان است. روش این پژوهش پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی و پیام نور استان اصفهان هستند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و حجم نمونه ۲۰۰ نفر دانشجوی دختر و پسر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات چهار پرسشنامه و واحد تحلیل فرد است. تحلیل نتایج نشان داد که بین سن، گرایش به عرفان حقیقی و آگاهی از عرفان با نمره هویت‌یافتگی؛ همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. میزان گرایش دانشجویان به عرفان حقیقی بیشتر از عرفان‌های کاذب بوده و میزان شناخت دانشجویان پسر از کتاب‌های عرفان حقیقی و کاذب بیشتر از دختران بود. بین میزان گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به عرفان حقیقی تفاوت معناداری وجود نداشت.

**کلید واژه‌ها:** هویت‌یافتگی، عرفان، دانشجویان، عرفان‌های اسلامی، عرفان‌های کاذب.

۱. مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «بررسی ارتباط بین هوش معنوی، هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان اسلامی و عرفان‌های کاذب در بین دانشجویان» است که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور انجام شده است.
- \*\* دکتری روان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، نویسنده مسئول
- \*\* کارشناس ارشد روان‌شناسی، عضو مدعو دانشگاه پیام نور اصفهان

### طرح مسئله

هویت یافتگی یکی از ملاک‌های سلامت روانی فرد است (شاملو، ۱۳۸۴: ۱۶). و دوره جوانی دوره انسجام هویت و مدخل زندگی بزرگسالی است. سنین ۲۰ سالگی و بعد دوره‌ای است که فرد به کمال رشد بدنی خود رسیده، توانایی‌های شناختی، زبانی و رشد اجتماعی او از کیفیت بالایی برخوردار است و تغییرات روانی مربوط به انسجام هویت وی نیز بسیار برجسته است. بنابراین طبیعی است که گرایش به معنویت و عرفان بیشتر از سایر دوره‌های زندگی توجه جوان را به خود جلب نماید. این سنین دقیقاً با سال‌های دانشجویی و حضور در محیط دانشگاه همزمان بوده و جوان در راستای تکمیل هویت دینی خویش به سمت معنویت گرایش می‌یابد. بدیهی است که از پیامدهای تکوین هویت دینی، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب است، دوران نوجوانی مهم‌ترین دوره برای شکل‌گیری هویت است و افراد در این سنین به کندوکاو در کیستی و چیستی خود مشغول هستند، از طرف دیگر در دو دهه اخیر گرایش به معنویت در جهان با رشد چشمگیری روبرو بوده است و جامعه ما نیز شاهد یک گرایش رو به رشد به خصوص در میان جوانان به سوی علوم باطنی و ماورایی جهت رسیدن به معنویت، الهام، شهود و اشراق است. رسانه‌های غربی در صددند که به منظور جلوگیری از گرایش جوانان به اسلام ناب محمدی سایر شیوه‌ها و مکاتب را به عنوان روش‌های رشد معنوی جلوه دهند و تبلیغ گسترده عرفان‌های کاذب و مکاتب مختلف فکری در همین راستا صورت گرفته است. مسئله این تحقیق این است که آیا اگر فرایند هویت‌یافتگی با توجه به شناخت و آگاهی دانشجویان از عرفان اصیل اسلامی صورت گرفته باشد، باز هم گرایشی به عرفان‌های کاذب وجود دارد، و چه عواملی در این مسئله سهیم هستند؟

### سؤالات تحقیق

- آیا بین دانشجویان هویت یافته، گرایش به عرفان اصیل اسلامی بیشتر است؟
- میزان آگاهی دانشجویان از عرفان اصیل اسلامی و عرفان‌های کاذب چقدر است؟
- میزان گرایش دانشجویان به عرفان اصیل اسلامی و عرفان‌های کاذب چقدر است؟
- دانشجویان تا چه حد قادر به تشخیص کتب عرفان اصیل اسلامی و عرفان‌های کاذب هستند؟

### تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها

عرفان حقیقی: عرفان حقیقی عبارت است از عرفانی که هم هدف آن و هم روش وصول به آن، برآمده از دین حقیقی و واقعی و مبتنی بر کلام معصومین باشد، هر نوع عرفانی غیر از این، در زمره عرفان‌های کاذب به حساب می‌آید. عرفان حقیقی مطابق با دین و شریعت و کلام خداوند است و با فطرت انسان و امیال فطری هماهنگ است. عرفان حقیقی توجه به همه ابعاد انسان اعم از اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد، دنیا و آخرت را جدای از یکدیگر نمی‌داند، بلکه معتقد است دنیا و آخرت به یکدیگر پیوند خورده‌اند (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۷). منظور از عرفان حقیقی در این تحقیق نمره‌ای است که شرکت‌کنندگان به سؤالات پرسشنامه محقق ساخته در مورد عرفان حقیقی به دست آوردند. عرفان کاذب: به هر نوع عرفانی که به آموزه‌های دینی بی‌اعتنا باشد و غایت و هدف سلوک را در جایی غیر از خدا جست‌وجو کند و انسان را فقط محدود به زندگی دنیایی کند، عرفان کاذب گویند. همه عرفان‌هایی که چیزی غیر از خدا را به‌عنوان هدف خود قرار می‌دهند هر چند که آن چیز، امری ماورایی باشد، و با ابزاری غیر از دین و شریعت در صدد وصول به هدف نها بی خود باشند، عرفان کاذب گویند (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۸) منظور از عرفان کاذب در این تحقیق نمره‌ای است که شرکت‌کنندگان به سؤالات پرسشنامه محقق ساخته در مورد عرفان کاذب به دست آوردند.

هویت‌یافتگی: هویت‌یافتگی فرایندی است که طی آن جوان اهداف و ارزش‌های زندگی خود را شناخته و به آن متعهد گردیده است (مارسیا، ۱۹۸۹ و برزونسکی، ۲۰۰۰). در هویت کسب‌شده، نوجوان بحران هویت را با موفقیت پشت‌سر گذاشته و نسبت به اهداف معینی از جمله نظام ارزشی، مذهب، عقاید سیاسی و اهداف حرفه‌ای تعهدات لازم را پیدا کرده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۹). در این تحقیق منظور از هویت‌یافتگی نمره‌ای است که شرکت‌کنندگان به سؤالات برزونسکی (۲۰۰۰) در سبک تعهد کسب کرده‌اند. لازم به ذکر است که ابعاد هویت‌یافتگی صرف‌نظر از فرهنگ هر جامعه به شناخت اهداف و قبول سیستم ارزشی و اعتقادی فرد و احساس تعهد فرد به این سیستم ارزشی در خودپنداره شخصی خود است.

### پیشینه پژوهش

در ایران اگرچه مطالعات مختلفی در خصوص عرفان‌های کاذب صورت گرفته است، اما در مورد ارتباط بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان تحقیقات کمی گزارش شده

است، از جمله تحقیقاتی که به طور غیرمستقیم بحث عرفان و هویت را مطرح کرده‌اند، می‌توان از تحقیقات زیر نام برد. جمالی (۱۳۷۵) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه‌های تهران به این نتیجه دست یافت که بین احساس معنابخش بودن زندگی و سلامت روان همبستگی معناداری دیده می‌شود و بین نگرش مذهبی و سلامت روان همبستگی معناداری وجود دارد. پیروز (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان انسان، اومانیسیم و عرفان اسلامی؛ اظهار داشته است که؛ از دیدگاه اومانیسیت‌های تجدیدگرا، عرفان اسلامی در خدمت سلطه نظام‌های فئودالی و سرمایه‌داری بوده است و در ساختار نظام سیاسی و اجتماعی ایران آثار مخربی بر جای نهاده است. نگارنده در این مقاله بر آن است فرضیه «ضد اومانستی بودن عرفان اسلامی» را نقد و بررسی کند.

دشتکی، علیزاده، غباری بناب و کرمی (۱۳۸۵) در بررسی اثربخشی آموزش معنویت به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان دریافتند که مداخلات معنوی شامل دعا، بخشودگی، مراقبه متعالی و معنایابی، موجب کاهش افسردگی در دانشجویان دختر شده است. در تحقیق مشابه دیگری؛ غباری بناب، متولی‌پور، حکیمی‌راد و حبیبی (۱۳۸۵) به بررسی رابطه اضطراب و افسردگی با میزان معنویت در دانشجویان دانشگاه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که؛ بین میزان اضطراب و ابعاد معنویت (معنایابی در زندگی و ارتباط با خدا) همبستگی منفی و بین افسردگی و اضطراب و تجربیات سلبی دانشجویان در معنویت همبستگی مثبت وجود دارد. هم‌چنین بین میزان افسردگی، معنایابی در زندگی، ارتباط با خدا و شکوفایی معنوی در دانشجویان همبستگی منفی وجود داشت. احمدی و کجباف (۱۳۸۷) در پژوهشی، نگرش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داده که بین نگرش معنوی و جنسیت ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارتی زنان نسبت به مردان از نگرش معنوی بالاتری برخوردارند. پژوهش قائمی‌فر، و حمایت‌خواه جهرمی (۱۳۸۸) نیز به مؤثر بودن ارزش‌های خانواده بر شکل‌گیری هویت تأکید کرده است. هدف از پژوهش اژدری‌فرد، قاضی، نورانی‌پور (۱۳۸۹) در بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت در افزایش سلامت روانی دانش‌آموزان دریافتن این موضوع بود که آموزش عرفان و معنویت در افزایش سلامت روان و بهبود عملکرد اجتماعی و کاهش افسردگی و اضطراب تأثیر دارد. باقری، اکبرزاده و حاتمی (۲۰۱۰) در فراتحلیل خود در خصوص ارتباط پیامدهای روان‌شناختی معنویت و مذهب

نتایج را مثبت ارزیابی کردند. در یک مطالعه موردی تحت عنوان اینترنت و هویت دینی دانشجویان دانشگاه مازندران؛ اشتیاقی، علیزاد و کاظمیان (۱۳۹۱) گزارش کردند که وضعیت دانشجویان دانشگاه مازندران بیانگر میزان بالای هویت دینی در میان آنان است. خاکشور، غباری بناب و شهابی‌زاده (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی در بین دانشجویان دانشگاه‌های به این نتیجه رسیدند که هویت مذهبی زودرس و کسب شده، ارتباط بین تصور تعلق‌پذیری و حضور معنا در زندگی را میانجی‌گری می‌کند، هم‌چنین هویت مذهبی آشفته، میانجی‌گر بین بعد کنترل و حضور معنا در زندگی است.

در قرون اخیر واژه و تأثیر عرفان و معنویت در درمان و پیشینه پژوهشی مربوط به آن در تحقیقات محققان خارجی نیز به صورت‌های مختلفی طرح و بحث شده است. در این میان، گروهی از نویسندگان و روان‌شناسان به مطالعه مفهوم عرفان و حالات معنوی پرداخته و بر آن بوده‌اند که آنها را تعریف کنند: جیمز (۱۹۷۷)، زوهار و مارشال (۲۰۰۰) وان (۲۰۰۳)، ال‌کینز و کاندوش (۲۰۰۴) و اسمیت (۲۰۰۵) از جمله این افراد هستند. پژوهش‌ها و بررسی‌های مختلف نشان داده‌اند که میان معنویت و هدف زندگی، رضایت از زندگی و سلامت، همبستگی وجود دارد؛ (جورج و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۳؛ کاتن و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۴؛ چویی، ۲۰۰۱: ۱۶۹). پژوهش مارسیا (۱۹۸۹) و مارسیگیلا (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که افراد دارای هویت آشفته هیچ نوع بحرانی را سپری نکرده و در عین حال به اهداف خاص هم احساس تعهد نمی‌کنند. آنها به ظاهر افرادی بی‌خیالند و تمایل به انتخاب اهداف خاصی ندارند. این افراد سطحی، ناخرسند و تنها هستند و توان برقراری روابط صمیمی و خالص را با اطرافیان خود ندارند. بین هویت دینی دیررس و سلامت جسمانی، اضطراب و افسردگی همبستگی مثبت و معنادار و بین هویت دینی دیررس و کنش اجتماعی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. راجرز (۱۹۵۹) پس از یک پژوهش گسترده روی هزاران فرد مذهبی چنین نتیجه می‌گیرد که؛ از مشخصات عمده تجربه‌های عرفانی - معنوی انسان، گرایش به یک واقعیت فرامادی است. نارایان سامی و انز (۲۰۰۴) در بررسی تحقیقات انجام گرفته در مورد اثرات معنویت بر سلامت فرد، دریافتند که معنویت با بیماری کمتر و طول عمر بیشتر همراه است. افرادی که دارای جهت‌گیری معنوی هستند، هنگام مواجهه با جراحت، به درمان، بهتر پاسخ می‌دهند و به شکل مناسب‌تری با آسیب‌دیدگی و بیماری کنار می‌آیند (ایمونز، ۲۰۰۰: ۴) و میزان افسردگی در آنها کمتر است، در پژوهش‌های مختلفی نشان

داده شده است که از آموزش‌ها و برنامه‌های مذهبی می‌توان به بهترین شکل به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشگیری از بروز اختلال‌های روانی استفاده کرد. سبک زندگی مذهبی به خوبی می‌تواند آرامش فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیاری را همراه داشته باشد. کونینگ و همکاران (۲۰۰۱) تحقیقی را بر روی ۶۰۳ بیمار سرطانی که تحت درمان و مراقبت ویژه قرار داشتند، مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که افراد دارای هوش معنوی و اعتقادات مذهبی با بیماری خود بهتر کنار آمده بودند، و روش‌های مقابله در آنها قوی‌تر از سایر گروه‌های دیگر بود. هم‌چنین شواهد نشان می‌دهند که تمرین‌های معنوی افزایش دهنده آگاهی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری (تعمق) هستند و بر عملکرد افراد تأثیر مثبتی دارند (مولن، ۲۰۰۳: ۶۰).

### چارچوب نظری

امروزه رهیافت‌های مختلفی جهت تبیین مسئله هویت مورد استفاده قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان دلایل و عوامل شکل‌گیری هویت انسان را در خانواده و محیط بزرگتر یعنی جامعه جست‌وجو می‌کنند. به این ترتیب هر جامعه شکل یا اشکال خاصی از هویت فردی و جمعی را بوجود می‌آورد. مفهوم هویت دارای ابعادی چندگانه است. به بیان کلی هویت به درک و تلقی مردم از این‌که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است، مربوط می‌شود، این درک و تلقی در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که به سایر منابع معنایی اولویت دارند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۱). از دیدگاه جامعه‌شناسان به آسانی می‌توان در این باره به توافق رسید که تمام هویت‌ها برساخته می‌شوند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲). هویت احساسی است که فرد نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد. نوعی از یگانگی و وحدت که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج همواره در حالات روانی خود احساس می‌کند. مفهوم هویت، تلویحاً به معنای تصور ذهنی متأثر از نوعی عضویت و احساس تعلق گروهی است. برخی صاحب‌نظران هویت اجتماعی را یک سیستم فرعی شخصیت تعریف کرده‌اند که نقش عمده‌ای در تعیین مشارکت شخص در سیستم اجتماعی دارد (کوپر و کوپر، ۱۹۸۵: ۸۰۲). هویت دارای ابعاد مختلفی از قبیل جنسیت، جهت‌گیری تمایل جنسی، ملیت و طبقه اجتماعی است. براساس دیدگاه رشدی اریکسون، زندگی روانی - اجتماعی انسان شامل ۸ مرحله است، که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مراحل آن، بین سال‌های ۱۳ تا ۲۲ سالگی را که می‌توان آن را نقطه تلاقی ابعاد زیستی، شناختی، هیجانی، اجتماعی در نظر گرفت،

مرحله «هویت‌یابی» است (منصور، ۱۳۸۵: ۱۹۶) به نظر اریکسون، نوجوان در جست‌وجوی من یا هویت خویش است هویت، پاسخ به سؤالاتی همچون «من کیستم؟»، «چرا این جا هستم؟» و «چه چیزی مهم است؟» را برای انسان روشن می‌سازد. براساس نظریه اریکسون (۱۹۵۶) اگر هویت نوجوان طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد درست اجتماعی شکل گیرد و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می‌گردد. جیمز مارسیا (۱۹۸۹ و ۱۹۶۶)، با الهام از نظریه اریکسون به پژوهش در خصوص انواع هویت پرداخته است که منتهی به چهار نوع هویت شده است. نوع اول آن هویت را در یک شخصیت سالم می‌توان مشاهده کرد و سه نوع دیگر، با شخصیت دارای بهداشت روانی منطبق نیست. در نوع اول یعنی هویت کسب شده، نوجوان بحران هویت را با موفقیت پشت‌سر گذاشته و نسبت به اهداف معینی از جمله نظام ارزشی، مذهب، عقاید سیاسی و اهداف حرفه‌ای تعهدات لازم را پیدا کرده است این گروه، انعطاف‌پذیر هستند و با فکر و درایت عمل می‌کنند، اعتماد به نفس بالایی دارند و تحت شرایط فشارزا مقاومت خوبی نشان می‌دهند. آنها افرادی نسبتاً خودمختارند و در روابط اجتماعی، علاوه بر داشتن اعتماد به نفس، شوخ طبع بوده و ظرفیت فراوانی برای ایجاد روابط صمیمی با دیگران دارند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۶). در نوع دوم یعنی هویت کلیشه‌ای یا هویت پیش‌رس، نوجوان بدون تجربه بحران نوجوانی، نسبت به اهداف معینی که به‌خصوص از جانب والدین تعیین می‌گردد، احساس تعهد پیدا کرده است. این نوجوانان باورهای قوی مذهبی دارند، به نظم و قانون اعتقاد راسخ دارند و از مراجع قدرت پیروی می‌کنند. به عبارتی این افراد یک مجموعه اعتقادی و یا شغلی را برای خود انتخاب کرده‌اند بدون این‌که خود در این انتخاب نقش فعالی داشته باشند.

در نوع سوم یعنی ابهام هویت، نوجوان هیچ نوع بحرانی را سپری نکرده است و در عین حال به اهداف خاصی هم احساس تعهد نمی‌کند، آنها به ظاهر، افرادی «بی‌توجه»‌اند و تمایل به انتخاب اهداف خاصی ندارند و در مجموع افراد سطحی، ناخرسند و تنها هستند و توان برقراری روابط صمیمی و خالص را با اطرافیان خود ندارند و در نوع آخر یعنی هویت دیررس، نوجوان در پی کسب هویت تلاش می‌کند و همواره در حالتی دوگانه به سر می‌برد، اما هنوز تعهدی کسب نکرده است. یکی از شیوه‌های اجتناب از سردرگمی و ابهام هویت، پیوستن به گروه‌های همسن، و راه دیگر، بازگشت یا واپس‌روی به دوران گذشته است. هویت به‌عنوان یک سازه مهم شخصیت

با بهداشت روانی ارتباط دارد. در همین راستا برزونسکی (۲۰۰۰) هویت را به چهار قسمت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم و تعهد تقسیم می‌کند. سبک اطلاعاتی معرف جوانانی است که به‌طور فعال از طریق جست‌وجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود، قبل از تصمیم‌گیری و شکل‌گیری تعهد، یک احساس هویت را ایجاد می‌کنند. سبک هویت هنجاری به وسیله جوانانی به کارگرفته می‌شود که استانداردها و تجربیات مراجع قدرت و دیگر افراد مهم را درونی می‌کنند و با آن هماهنگ می‌شوند. آنها وقتی که با مسائل مربوط به هویت مواجه می‌شوند بر عادات و انتظاراتی که به وسیله این افراد به آنها اعطا شده، تکیه می‌کنند. جوانانی با سبک سردرگمی، برای اجتناب از تعارض‌های شخصی مربوط به هویت تلاش می‌کنند؛ آنها تصمیم‌گیری‌ها را تا زمانی که الزام‌های موقعیتی یک خط مشی را دیکته کند به تأخیر می‌اندازند. این افراد به‌طور مداوم رفتارها و نظرات‌شان را مطابق با تقاضاها و الزام‌های اجتماعی تغییر می‌دهند، بدون این‌که در ساختار هویت‌شان اصلاحات درازمدت انجام دهند. سبک تعهد بیانگر شکل‌گیری یک سبک هویت متعهدانه است که طی آن فرد بر پایه منطق خود به هویت موفق دست می‌یابد (برزونسکی، ۲۰۰۰: ۵).

از طرف دیگر با توجه به این‌که یکی از ابعاد اساسی هویت‌یابی، تدوین یک سیستم ارزشی و تعهد به این سیستم ارزشی است، در همین راستا گرایش به سوی معنویت در جوانان متجلی می‌شود. امروزه یکی از ابعاد معنویت خود را به شکل گرایش به عرفان نشان می‌دهد؛ گرایش به سوی معنویت و عرفان ریشه در ساختار وجودی انسان دارد و عطش درونی او را آرام می‌کند. گرایش نسل جوان ما در دانشگاه‌ها به عرفان و معنویت نیز به همین دلیل است. اما عدم شناخت صحیح از عرفان اسلامی سبب شده تا برخی دانشجویان در مسیر هویت‌یابی به عرفان‌های کاذب روی بیاورند. البته عرفان‌های کاذب یک معضل جهانی است که در تمام کشورها وجود دارد، و در نخستین گام، جوانان را تهدید می‌کند. تفکری که پس از رنسانس و عصر روشنگری در مغرب زمین حاکم شد، بر سه اساس بود؛ اول اومانیزم یا انسان‌گرایی افراطی، دوم لیبرالیسم یا اصالت افراطی به آزادی و انکار ارزش‌های اخلاقی و سوم سکولاریسم یا دنیاگرایی، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و روان‌شناسی به‌عنوان نموده‌های مختلف زندگی اجتماعی انسان. غربی‌ها براساس این مبانی تعریفی دیگر یافتند و همه در خدمت ساختن بهشتی بریده از خدا در عرصه خاک قرار گرفتند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۵) روان‌شناسی غرب اگرچه از درون دچار چالشی عمیق و فراگیر است اما با



تسلط بر بیشتر امکانات و ظرفیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی جهان، سعی در تحمیل الگوهای ناقص خویش به تمام جهان دارد، مکاتب متعدد غربی با رویکردهای مختلف به توضیح چیستی و کیستی انسان پرداخته و هر کدام از انسان و ماهیت انسان تعریفی ارائه داده‌اند و ترویج عرفان‌های ساختگی نیز در همین راستا قرار دارد. این روزها، تکثیر و افزایش عرفان‌های دروغین از سوی جوامع اومانیزم سبب شده تا دانشجویان و جوانان در تشخیص عرفان حقیقی سردرگم شده و در این سردرگمی به مشکلات زیادی دچار شوند. یکی از اهداف عرفان‌های کاذب، ترویج لابلالی‌گری و بی‌قیدی در جامعه به‌ویژه میان جوانان است. بر همین اساس، جاده عرفان‌های دروغین در نهایت به نهیلیسم و پوچ‌گرایی می‌رسد (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۲۵). بنابراین اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر در آگاهی یافتن از وضعیت هویت‌یافتگی و میزان آگاهی و گرایش به عرفان اسلامی و عرفان‌های کاذب در دانشجویان است. آشنا نمودن دانشجویان با دین و فرهنگ اسلامی و افزایش اعتماد دینی و مذهبی آنان و هم‌چنین ترویج فرهنگ اسلامی در بین دانشجویان نیز به‌طور تلویحی در بطن کار قرار می‌گیرد که این نکته به نوآوری مسئله پژوهش حاضر نیز اشاره دارد.

### روش تحقیق

این پژوهش به صورت یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی انجام شده است و با توجه به هدف تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه دانشجویان دختر و پسر مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی اصفهان و صنعتی، و پیام نور استان اصفهان است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. در خوشه اول از بین دانشگاه‌های استان اصفهان سه دانشگاه انتخاب و از هر دانشگاه سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه متشکل از ۲۰۰ نفر شامل ۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر بود. جهت تعیین حجم نمونه براساس گال و بورک ترجمه؛ نصر و همکاران (۱۳۹۱) به ازای هر متغیر در تحقیقات همبستگی ۱۵ نفر کفایت می‌کند برای ۴ متغیر تحقیق ۶۰ مورد کافی است؛ از بین پرسشنامه‌های تکمیل شده ۲۹ پرسشنامه از دختران و ۳۰ پرسشنامه از پسران به دلیل وجود نقص حذف گردید و تحلیل بر نتایج پرسشنامه‌های ۷۱ دختر و ۷۰ پسر انجام گرفت. محدوده سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۹-۴۱ سال با میانگین ۲۳/۴ و ترم تحصیلی آنان از ترم ۱ تا ۱۲

متغیر بود. ۳ نفر از شرکت کنندگان در مقطع ارشد و ۱۳۸ نفر در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. از بین شرکت کنندگان ۷۱ نفر در رشته‌های علوم انسانی و ۷۰ نفر در رشته‌های فنی و مهندسی مشغول به تحصیل بودند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل چهار پرسشنامه به نام: آزمون هویت‌یافتگی و آزمون خود ساخته بررسی آگاهی و گرایش دانشجویان در مورد عرفان‌های کاذب و عرفان حقیقی و چگونگی مطالعات مربوط به عرفان و واحد تحلیل فرد است.

۱- پرسشنامه هویت‌یافتگی (ISI): مقیاس سبک هویت برزونسکی (۲۰۰۰) مقیاسی است که برای بررسی هویت مورد استفاده قرار گرفت و شامل ۴۰ سؤال است که ۱۱ سؤال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی ۹ سؤال آن مربوط به مقیاس هنجاری و ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس سردرگمی یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به مقیاس تعهد یا هویت‌یافتگی است که طی یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ نمره‌گذاری می‌شود. ضریب پایایی آن به شیوه بازآزمایی برابر ۰/۹۱ است و از نظر اعتبار مورد قبول است. برزونسکی پایایی درونی (ضریب آلفا) مقیاس اطلاعاتی را ۰/۶۲ = آلفا، مقیاس هنجاری ۰/۶۶ = آلفا و مقیاس سردرگم یا اجتنابی را ۰/۷۳ = آلفا گزارش کرده است. پایایی پرسشنامه سبک هویت برای ارزیابی و سنجش همسانی درونی، ضریب آلفای کرونباخ بر روی داده‌های نمونه اصلی  $N = 1832$  محاسبه شد. برزونسکی و همکارانش، هر یک از نمرات سه مقیاس پرسشنامه سبک هویت را به نمره Z تبدیل کرده و پاسخ‌دهنده را در مقیاسی که دارای نمره Z بالاتری بود قرار دادند. براساس این روش، پرسشنامه سبک هویت تمام آزمودنی‌ها را در یکی از سه سبک هویتی اطلاعاتی، هنجاری و سردرگمی یا اجتنابی قرار دادند (برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲: ۱۵). در این تحقیق به منظور کاهش تعداد سؤالات و افزایش دقت شرکت کنندگان فقط ۱۰ سؤال مربوط به هویت‌یافتگی مورد استفاده قرار گرفت. سؤالات هویت‌یافتگی به شرح زیر است: سؤالات ستاره‌دار به‌طور معکوس نمره‌گذاری گردید.

- ۱- نسبت به اعتقادات دینی خود علم و آگاهی دارم.
- ۲- می‌دانم در آینده چه کاری را می‌خواهم انجام دهم.
- ۳- درباره اعتقادات دینی‌ام اطمینان واقعی ندارم.
- ۴- مطمئن نیستم که چه ارزش‌هایی را واقعاً باید حفظ کنم.
- ۵- می‌دانم که دولت و کشور به چه سمتی باید پیش بروند.
- ۶- مطمئن نیستم که در آینده چه کاری را انجام دهم.

- ۷- احساس می‌کنم کاری را که انجام می‌دهم (یا انجام داده‌ام) مناسب من است.
- ۸- مطمئن نیستم چه شغلی برای من مناسب است.
- ۹- دارای مجموعه‌ای از اعتقادات قوی هستم که در موقع تصمیم‌گیری از آنها استفاده می‌کنم
- ۱۰- مشکلات من می‌تواند برایم یک مبارزه جالب در زندگی باشند.
- ۲- پرسشنامه آگاهی از عرفان‌های کاذب و حقیقی: در سؤال ۱۱ تا ۲۳ این پرسشنامه و میزان آگاهی دانشجویان در مورد عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب با عبارت کم؛ متوسط؛ زیاد و خیلی زیاد سنجیده شد.
- ۱۱- تا چه حد از معنا و مفهوم عرفان اطلاع دارید؟
- ۱۲- تا چه حد عارف واقعی را می‌شناسید؟
- ۱۳- تا چه حد کتب عرفانی را مطالعه کرده‌اید؟
- ۱۴- تا چه حد از احادیث پیامبران و ائمه اطهار در مورد موضوعات عرفانی اطلاع دارید؟
- ۱۵- تا چه حد فلورانس اسکاول شین را می‌شناسید؟
- ۱۶- تا چه حد معتقدید که هر انسانی اگر بتواند غرایز حیوانی را سرکوب کند، می‌تواند از قدرت خارق‌العاده روح خود استفاده کند؟
- ۱۷- تا چه حد معتقدید که علت اصلی تأثیرگذاری فرقه‌های کاذب؛ جهل و نادانی افراد می‌باشد؟
- ۱۸- تا چه حد معتقدید که فرهنگ غرب با دین‌مدار بودن دانشجویان منافات دارد؟
- ۱۹- تا چه حد از مکاتب نوظهور مثل شیطان‌پرستی، شعور کهکشانی، حلقه عرفان و عرفان سایه اطلاع دارید؟
- ۲۰- تا چه حد معتقدید که معنویت غرب؛ معنویت بریده از خدا است؟
- ۲۱- تا چه حد معتقدید که عرفان اسلامی با عقل سر و کار دارد ولی عرفان‌های کاذب در تضاد با عقل هستند؟
- ۲۲- تا چه حد معتقدید که برای عارف شدن، ابتدا باید از خودسازی شروع کرد؟
- ۲۳- تا چه حد قانون جذب (راز) را می‌شناسید؟
- ۳- گرایش به عرفان‌های کاذب و حقیقی (خودساخته): شامل ۳۸ سؤال شامل گزینه‌های خیلی زیاد=۴، زیاد=۳، متوسط=۲، کم=۱ است که در زیر ارایه شده است.
- ۱- تا چه حد معتقدید که مقدمه عرفان، شناخت ویژگی‌های مثبت و منفی خود است؟
- ۲- تا چه حد به مطالعه و بررسی عرفان اسلامی علاقه دارید؟

- ۳- تا چه اندازه برای فهم عرفان اسلامی و حقیقی تلاش کرده‌اید؟
- ۴- تا چه حد کتاب‌های اوشو و پائلو کوئیلورا مطالعه کرده‌اید؟
- ۵- تا چه حد معتقدید که برای رسیدن به آرامش باید به دنبال ذکر خدا و یاد خدا بود؟
- ۶- تا چه حد معتقدید که عرفان را باید در کارهای عجیب و غریب (مثل: چله‌نشینی، تغییر ظاهر و اعمال و حرکات خاص) جست‌وجو کرد؟
- ۷- تا چه حد معتقدید که عرفان حقیقی به معنی شناخت خدا و کسب رضایت خداست؟
- ۸- تا چه حد معتقدید که معنویت در سلامت روان مؤثر است؟
- ۹- تا چه حد معتقدید که هدف انسان در جهان هستی رسیدن به شادی است؟
- ۱۰- تا چه حد معتقدید که زندگی انسان با مرگ فنا نمی‌پذیرد؟
- ۱۱- تا چه حد به مکتب اوشو (مکتبی که مشکل انسان برای جست‌وجوی خدا را ناشی از مشکل آنها در مسائل جنسی، و سکس را مقدمه عبادت می‌داند) معتقد هستید؟
- ۱۲- تا چه حد معتقدید که هیچ تعارضی میان بعد مادی و بعد روحی انسان وجود ندارد؟
- ۱۳- تا چه حد معتقدید که مقدمه عرفان، اصلاح ویژگی‌های اخلاقی و درونی و اصلاح رفتار است؟
- ۱۴- تا چه حد معتقدید که هر کس مصیبت را با افکارش به وجود می‌آورد؟
- ۱۵- تا چه حد معتقدید که گاهی برآورده شدن ناگهانی آرزویان به دلیل تمرکز و فکر زیاد به آن موضوع بوده است؟
- ۱۶- تا چه حد به قانون جذب (یعنی هر چیزی را که واقعاً بخواهیم کاینات برایمان انجام می‌دهند) اعتقاد دارید؟
- ۱۷- تا چه حد معتقدید که اگر بخواهیم عارف واقعی شویم باید ائمه را الگوی خود قرار دهیم؟
- ۱۸- تا چه حد معتقدید کسی که عرفان درس می‌دهد اول خودش باید عارف باشد و مسیر را طی کرده باشد؟
- ۱۹- تا چه حد معتقدید که برای رسیدن به خدا به الگوهای خاص (مانند ائمه اطهار) نیازمندیم؟
- ۲۰- تا چه حد معتقدید که اگر نیت پاک باشد؛ دست دادن به نامحرم اشکالی ندارد؟
- ۲۱- تا چه حد معتقدید که برای رسیدن به شادی و آرامش از هر روشی می‌توان کمک گرفت (مجاز یا غیرمجاز)؟

- ۲۲- تا چه حد معتقدید که در نهایت اراده بشر محدود است و حکمت الهی مقدم بر خواسته‌های انسان است؟
- ۲۳- تا چه حد معتقدید که باید همین‌جا، در همین دنیا و هم اکنون از زندگی لذت برد؟
- ۲۴- تا چه حد معتقدید که محور تمام جهان هستی انسان است؛ فقط انسان؟
- ۲۵- آیا تا به حال در کلاس‌های راز؛ افزایش شعور کیهانی؛ حلقه، سایه و کلاس‌های مشابه، شرکت کرده‌اید؟

در بخش آخر تعدادی کتاب جهت اطلاع از نوع مطالعات و آگاهی دانشجویان از کتب مربوط به عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب گنجانده شده است. از جمله کتب عرفان حقیقی می‌توان کتاب‌های آیین زندگی، اخلاق جنسی، پله‌پله تا ملاقات خدا، خاتمیت امامت و مهدویت، حلیه‌المتقین، مثنوی معنوی را نام برد و در زمره عرفان‌های کاذب، کتاب‌های آواز سکوت، آینده طلایی، اعترافات یک سالک، الماس‌های اوشو، جریان هدایت الهی، حقیقتی دیگر، اینک برکه‌ای کهن، بلوغ، بریدا، کنار رود پیدار نشستیم و گریستم، قانون جذب، راز و چهار اثر از فلورانس آورده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها در این پژوهش از طریق نرم‌افزار SPSS و در سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. در آماره توصیفی از گزارش فراوانی و بیان ویژگی‌های جامعه آماری و در آمار استنباطی از آزمون لوین جهت بررسی همسانی واریانس‌ها و آزمون t برای مقایسه دو نمونه مستقل و مقایسه نمونه و جامعه و آزمون r برای کشف روابط همبستگی بین متغیرها استفاده شد.

### یافته‌های تحقیق

شرط همسانی واریانس در مورد تمام متغیرهای آزمون برقرار است و می‌توانیم از آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین‌ها استفاده کنیم.

جدول شماره ۱: میانگین دو گروه دختر و پسر در آزمون هویت‌یافتگی، عرفان و زیر مقیاس‌های مربوطه

متغیر	جنسیت	میانگین	SD	t	Sig
هویت‌یافتگی	پسر	۲۷/۹	۴/۰۰۴	۱/۸۸۸	۰/۰۶۱
	دختر	۲۶/۴۸	۴/۸۸۴	۱/۸۹۱	۰/۰۶۱
آگاهی از عرفان	پسر	۳۳/۵۱	۷/۵۸۱	۰/۸۹۱	۰/۳۷۵
	دختر	۳۲/۲۴	۹/۳۱	۰/۸۹۲	۰/۳۷۴

۰/۲۸۳	-۱/۰۷۸	۷/۸۴۴	۳۴/۷۳	پسر	گرایش به عرفان حقیقی
۰/۲۸۳	-۱/۰۷۷	۷/۴	۳۶/۱۱	دختر	
۰/۶۳۴	۰/۴۷۷	۶/۱۲۴	۲۴/۲۶	پسر	گرایش به عرفان کاذب
۰/۶۳۴	۰/۴۷۷	۶/۲۴۸	۲۳/۷۶	دختر	
۰/۱۰۲	۱/۶۴۵	۱/۱۳	۰/۶۴	پسر	کتاب مطالعه شده در
۰/۱۰۴	۱/۶۴۰	۰/۷۲۴	۰/۳۸	دختر	زمینه عرفان کاذب
۰/۰۶۰	۱/۸۹۶	۲/۳۱۲	۲/۲۴	پسر	کتاب مطالعه شده در
۰/۰۶۱	۱/۸۹۲	۱/۷۲۹	۱/۵۹	دختر	زمینه عرفان حقیقی

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین هویت‌یافتگی، آگاهی از عرفان، و گرایش به عرفان کاذب در بین پسران در مقایسه با دختران بالاتر است و گرایش به عرفان حقیقی در بین دختران در مقایسه با پسران بالاتر است. در زمینه مطالعه و شناسایی کتاب با موضوع عرفان، میانگین کتاب مطالعه شده در زمینه عرفان کاذب و کتاب مطالعه شده در زمینه عرفان حقیقی در پسران در مقایسه با دختران بالاتر است. اما علی‌رغم تفاوت‌های گفته شده؛ فقط تفاوت بین میانگین‌ها در تعداد کتاب مطالعه شده در زمینه عرفان کاذب و کتاب مطالعه شده در زمینه عرفان حقیقی البته با اغماض بین دو جنس در سطح ۰/۰۶ معنادار است.

**فرضیه اول:** بین نمره هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل همبستگی بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی

متغیرها	مقدار r	تعداد	سطح معناداری
هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی	۰/۳۰۹	۱۴۱	***۰/۰۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود همبستگی بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار است (دو دامنه). به عبارت دیگر هرچه میزان هویت‌یافتگی در افراد بالاتر باشد گرایش به عرفان حقیقی هم بیشتر است.

**فرضیه دوم:** بین نمره هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان کاذب رابطه منفی معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتایج تحلیل همبستگی بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان کاذب

متغیرها	مقدار r	تعداد	سطح معناداری
هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان کاذب	۰/۱۲۱	۱۴۱	۰/۱۵۲

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود همبستگی بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان کاذب معنادار نیست و بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید نمی‌شود.

**فرضیه سوم:** میزان گرایش دانشجویان به عرفان حقیقی بیشتر از عرفان‌های کاذب است.

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل میزان گرایش دانشجویان به عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب

متغیر	تعداد	میانگین	SD	t	Sig
عرفان حقیقی	۱۴۱	۳۵/۴۳	۷/۶۲	۵۵/۱۴۵	۰/۰۰۰۱
عرفان کاذب	۱۴۱	۲۴/۰۱	۶/۱۷	۴۶/۲۰۵	۰/۰۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود بین میزان گرایش دانشجویان به عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب تفاوت معناداری وجود داشته و گرایش آنان به عرفان حقیقی بیشتر است. و بنابراین فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود.

**فرضیه چهارم:** بین میزان آگاهی و گرایش دانشجویان دختر و پسر نسبت به عرفان حقیقی (اسلامی) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل میزان آگاهی و گرایش دانشجویان دختر و پسر به عرفان حقیقی (اسلامی)

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	SD	t	Sig
آگاهی از عرفان حقیقی	پسر	۷۰	۳۳/۵۱	۷/۵۸	۰/۸۹۱	۰/۳۷۵
	دختر	۷۱	۳۲/۲۴	۹/۳۱		
گرایش به عرفان حقیقی	پسر	۷۰	۳۴/۷۳	۷/۸۴	۱/۰۷۸	۰/۲۸۳
	دختر	۷۱	۳۶/۱۱	۷/۴۰		

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود بین میزان آگاهی و گرایش دانشجویان دختر و پسر به عرفان حقیقی (اسلامی) تفاوت معناداری وجود ندارد، بنابراین فرضیه چهارم تحقیق تأیید نمی‌شود.

**فرضیه پنجم:** بین میزان شناخت کتب عرفان حقیقی و کتب عرفان کاذب در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۶: نتایج بررسی میزان شناخت کتب عرفان حقیقی و عرفان کاذب در بین دانشجویان

متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	SD	t	Sig
شناخت کتب عرفان کاذب	پسر	۷۰	۰/۶۴	۱/۱۳	۱/۶۴۵	۰/۱۰۲
	دختر	۷۱	۰/۳۸	۰/۷۲		
شناخت کتب عرفان حقیقی	پسر	۷۰	۲/۲۴	۲/۳۱	۱/۸۹۶	۰/۰۶۰
	دختر	۷۱	۱/۵۹	۱/۷۲		

همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می شود بین میزان شناخت کتب عرفان حقیقی و کتب عرفان کاذب در بین دانشجویان تفاوت معناداری وجود ندارد (اگر چه عدد محاسبه شده به سطح ۰/۰۵ بسیار نزدیک است) و بنابراین فرضیه پنجم تحقیق تأیید نمی شود.

**فرضیه ششم:** بین متغیر سن و آزمون های هویت یافتگی و عرفان همبستگی وجود دارد.

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل همبستگی بین سن، هویت یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی و عرفان کاذب

متغیر	هویت یافتگی	گرایش به عرفان کاذب	گرایش به عرفان حقیقی
سن	*۰/۲۰۰	*-۰/۲۰۲	*۰/۳۰۹

\* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است (دو دامنه)

\*\* همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (دو دامنه)

همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می شود همبستگی بین سن، هویت یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی و عرفان کاذب معنادار است. همبستگی بین هویت یافتگی با سن و همبستگی بین گرایش به عرفان حقیقی با سن مثبت و همبستگی بین گرایش به عرفان کاذب با سن منفی است. به عبارت دیگر هر چه میزان سن شرکت کنندگان افزایش یافته گرایش آنان به عرفان حقیقی بیشتر و در مقابل از گرایش آنان به عرفان کاذب کاسته شده است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر؛ بررسی ارتباط بین هویت یافتگی و آگاهی و گرایش به عرفان اسلامی و عرفان های کاذب در دانشجویان بود. اهداف فرعی عبارت بودند از: بررسی میزان آگاهی دانشجویان دختر و پسر از تفاوت های عرفان حقیقی و عرفان های



کاذب، بررسی آگاهی دانشجویان دختر و پسر از کتب و نویسندگان در زمینه عرفان اسلامی و عرفان‌های کاذب، بررسی میزان گرایش دانشجویان دختر و پسر به عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، بررسی میزان سن، هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان‌های حقیقی و عرفان کاذب.

ارتباط بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان حقیقی رابطه معناداری را بین این دو متغیر نشان داد همبستگی بین هویت‌یافتگی و گرایش به عرفان کاذب معنادار نبود (فرضیه اول). به عبارت دیگر هرچه میزان هویت‌یافتگی در افراد بالاتر باشد گرایش به عرفان حقیقی هم بیشتر است. در تبیین این یافته می‌توان گفت خوشبختانه به‌طورکلی نسبت به عرفان کاذب در بین نسل دانشجو گرایش قابل توجهی وجود ندارد و چون باور به عرفان حقیقی به نوعی باعث هویت‌بخشی افراد و موجب حرکت انسان به سوی هدف غایی که همان رسیدن به خدا است، می‌شود بین این دو همبستگی قابل توجهی وجود دارد. فرضیه دوم مغایر با نتایج تحقیق حاتمی و جاویانی (۱۳۸۹)؛ و همسو با نتایج تحقیق ویلیام جیمز (۱۹۷۷)، کاس و همکاران، ۱۹۹۱؛ ویچ و چپل، ۱۹۹۲ و آلیستر هاردی (۱۹۹۹) و جورج و همکاران (۲۰۰۰) است. بین میزان گرایش دانشجویان به عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب تفاوت معناداری وجود داشته و گرایش آنان به عرفان حقیقی بیشتر است (فرضیه سوم). به عبارت دیگر میزان باور و علاقه دانشجویان به عرفان حقیقی بیشتر از عرفان‌های کاذب بوده است. علت تأیید فرضیه از دیدگاه مجریان پژوهش این است که عرفان اسلامی ریشه در ذات انسان‌ها دارد و با توجه به محیط اسلامی و فضای حاکم بر جامعه باور افراد خصوصاً دانشجویان به عرفان اسلامی بیشتر است تا به عرفان‌های کاذب و نوظهور، از طرف دیگر چون باور به عرفان کاذب ریشه ذاتی ندارد، مشاهدات و تجربیات نشان می‌دهد در اکثر موارد باور به این عرفان‌ها منجر به پوچی افراد و بی‌هویتی آنان می‌گردد.

- بین میزان آگاهی دانشجویان دختر و پسر به عرفان حقیقی (اسلامی) تفاوت معناداری وجود ندارد (فرضیه چهارم تحقیق). محققین این تحقیق پیش‌بینی می‌کردند که با توجه به لطافت روحی و عاطفی دختران در زمینه معنویت، آگاهی آنان نسبت به عرفان حقیقی (اسلامی) در مقایسه با پسران بیشتر باشد. ولی نتایج تحقیق خلاف این پیش‌بینی را تأیید کرد؛ یعنی میانگین آگاهی پسران نسبت به عرفان حقیقی (اسلامی) بالاتر از دختران بود (۳۳/۵۱ میانگین پسران و میانگین دختران ۳۲/۲۴). علت عدم تأیید فرضیه فوق به نظر محققین این است که آگاهی نسبت به عرفان ارتباطی با جنسیت

افراد ندارد و هر دو جنس به یک میزان در معرض اطلاعات و دانش مربوطه قرار دارند. فرضیه چهارم همسو با نتایج تحقیق حاتمی و جاویانی (۱۳۸۹) است. هم‌چنین در حقیقت هر دو جنس به عرفان حقیقی گرایش و علاقه‌مندی نشان داده و از لحاظ جنسیتی بین آنان تفاوتی وجود نداشت، همسو با یافته‌های حمزه‌ای (۱۳۸۹).

- بین میزان شناخت کتب عرفان حقیقی و عرفان کاذب در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد (فرضیه پنجم تحقیق). در بخش پایانی تحقیق محققین لیستی از کتب عرفان حقیقی و عرفان کاذب موجود در کتابخانه‌های ایران را تهیه کرده و از شرکت‌کنندگان خواستند تا کتبی را که مطالعه کرده‌اند علامت‌گذاری کنند. نتایج تحقیق بیانگر این است که درصد شناخت افراد نسبت به کتب عرفان حقیقی بیشتر از درصد شناخت افراد نسبت به کتب عرفان‌های کاذب است و از طرف دیگر در زمینه مطالعه کتاب در هر دو زمینه عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب پسران از میانگین بالاتری برخوردار بودند. فرضیه پنجم همسو با نتایج تحقیق حاتمی و جاویانی (۱۳۸۹) است. نتایج نشان داد که نمره کل هویت‌یافتگی پسران بالاتر از دختران است. هویت‌یافتگی یعنی تعهد و پایبندی به نظام ارزشی و ثبات رفتاری و عقیدتی؛ آیا گسترش استفاده از ماهواره، ورود انواع لباس‌های خارجی، تبعیت از مد و تجملات به‌عنوان یک ارزش می‌تواند تبیینی برای این یافته باشد که اگرچه تبلیغات مد؛ ماهواره و... دامنگیر هر دو جنس می‌شود اما بر جنس دختر آسیب بیشتری وارد می‌کند و پایبندی آنان به یک سیستم اعتقادی و ارزشی و ثبات رفتاری آنان را با چالش مواجه می‌کند. این یافته همسو با نتایج تحقیق سیف‌اللهی، و رازقیان (۱۳۸۷) و قاراخانی، معصومه (۱۳۸۶) است. به هر حال آنچه مسلم است این است که؛ معنویت‌های سکولار و لیبرالیستی می‌کوشند به عطش معنوی بشر جدید پاسخ دهند. برخی از آنان به‌صورت زیرزمینی به فعالیت می‌پردازند و برخی نیز در سطح تبلیغات مکتوب و با نفوذ در رسانه‌های ارتباطی به جان ایمان و معنویت مردم افتاده و می‌کوشند بانام عرفان و معنویت پیروانی را به گرد خود جمع کنند و بهره‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را از آنان ببرند. این حقیقت تلخ را باید اعتراف کرد که ما، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، در معرفی عرفان و اخلاق ناب اسلامی به جوانان و تشنگان معنویت و عرفان کوتاهی کرده‌ایم. بسیاری از ما اساساً از تهاجم وسیع دشمنان اسلام در این عرصه خبری نداشته و بسیاری از کسانی هم که در این زمینه اطلاعاتی دارند، کمتر به عمق این تهاجم و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و دینی آن توجه کرده‌اند. برخی از

رهبران این آیین‌ها افرادی مطلع و هنرمند بوده و هستند. به همین دلیل سخنان خود را در لفافه‌ای از زیبایی‌های ادبی و امثال آن ارائه داده و می‌دهند و همین مسئله موجب گمراهی و انحراف بسیاری از نویسندگان می‌شود. در عرصه دین و عرفان نیز ادیان و آیین‌های بدلی و تقلبی و خرقه‌های سالوس و ریایی به مراتب بیشتر از ادیان و آیین‌های حقیقی و اصیل‌اند. از طرف دیگر همه عرفان‌های دینی را لزوماً نمی‌توان عرفان حقیقی دانست زیرا ممکن است یک دین، دستخوش تحریف یا جعل شده باشد و تصویری غیرواقعی از منبع وصول به خدا را ترسیم کند، بنابراین عرفان برآمده از چنین دینی، عرفان غیر حقیقی نیز خواهد بود. مثلاً عرفان یهودی، با وجود آن‌که برآمده از آیین یهود است، اما به دلیل تحریفی بودن یهودیت، عرفان آن نیز نمی‌تواند عرفانی حقیقی باشد بلکه عرفان کاذب شناخته می‌شود. بنابراین عرفان حقیقی، عبارت از عرفانی است که هم غایت آن و هم روش وصول به آن غایت، برآمده از دین حقیقی و واقعی و معصوم باشد، هر نوع عرفانی غیر از این، در زمره عرفان‌های کاذب به حساب می‌آید (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۳۳). مقام معظم رهبری (۱۳۸۹) نیز در جمع طلاب با تأکید بر محدود نکردن سبک و روش تدریس و درس خواندن در حوزه‌های علمیه، عرفان عملی را یکی از موارد ضروری برای طلاب و روحانیون خواندند و خاطرنشان کردند: بیان شرح حال بزرگان اهل تهذیب و اخلاق برای طلاب و انتشار نامه‌ها و نصیحت‌های اخلاقی آنان، بسیار تأثیرگذارتر از عرفان نظری است. بنابر نتایج بدست آمده از این تحقیق کمک به دانشجویان برای نیل به هویت‌یافتگی (حل تردیدها و کسب سیستم ارزشی) موجب کاهش گرایش آنان به عرفان‌های کاذب می‌شود.

## منابع

- اژدری فرد، پری؛ قاضی، قاسم؛ نورانی پور، رحمت الله (۱۳۸۹)؛ بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش آموزان بررسی تأثیر آموزش عرفان و معنویت بر سلامت روان دانش آموزان، *نشریه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، بهار ۱۳۸۹، ش ۱۸، صص ۱۲۸-۱۰۵.
- اشتیاقی، معصومه؛ مهرداد، علیزاد و کاظمیان، توحید (۱۳۹۱)؛ اینترنت و هویت دینی دانشجویان دانشگاه مازندران؛ *فصلنامه مطالعات ملی*، ویژه‌نامه شماره ۲، صص ۱۷.
- برن، راندا (۱۳۸۶)؛ *راز شکرگزاری*، ترجمه نفیسه معتکف، تهران: لیوسا.
- ----- (۱۳۸۶)؛ *راز*، ترجمه نفیسه معتکف، تهران: لیوسا.
- بهرامی دشتکی، هاجر؛ علیزاده، حمید؛ غباری بناب، باقر؛ کرمی، ابوالفضل (۱۳۸۵)؛ یاتربخشی آموزش معنویت به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان، *نشریه پژوهش‌های مشاوره*، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۹-۷۲.
- ----- (۱۳۸۵)؛ اثربخشی آموزش معنویت به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان، *پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، پاییز ۱۳۸۵، صص ۴۹-۷۲.
- جمالی، زهرا (۱۳۷۵)؛ *بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، احساس معنا بخش بودن زندگی و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- جیمز هوبت (۱۳۷۹)؛ *مراقبه*، ترجمه منوچهر شادان، انتشارات ققنوس، ج ۲.
- حاتمی، مریم؛ جاویانی، سحر (۱۳۸۹)؛ نگرش دانشجویان به راز و عرفان‌های نوین، *پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه پیام نور اصفهان*، ص ۲۵.
- حفیظی، کمیل (۱۳۸۹)؛ *دلایلی لا، دنیای معنوی پائولو کوئلیو*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- حمزه‌ای، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ «تعیین تفاوت‌های جنسیتی در گرایش جوانان به گروه مرجع»، *پژوهش زنان*، دوره ۸، ش ۴، صص ۹۷-۱۱۹.
- خاکشور، فاطمه؛ غباری بناب، باقر؛ شهابی زاده، فاطمه (۱۳۹۲)؛ «نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی»، *نشریه روان‌شناسی و دین*، تابستان ۱۳۹۲، ش ۲۲، صص ۵۸-۴۴.
- خسروپناه (۱۳۹۰)؛ *جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها*، قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- رودگر، محمدجواد (۱۳۸۷)؛ *مراحل عرفان*، قم: معارف.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله و رازقیان، آناهیتا (۱۳۸۷)؛ «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی: تهران)»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، س ۲، ش ۳، صص ۵۴-۲۷.
- شاملو، سعید (۱۳۸۴)؛ *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران: رشد.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)؛ *شاخصه‌های عرفان کاذب*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- ----- (۱۳۸۹)؛ *درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب*، قم: به‌آموز.
- ----- (۱۳۸۹)؛ *عرفان و عارفان حقیقی*، شاخصه‌های عرفان کاذب، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- ----- (۱۳۸۹)؛ *ویژگی‌های عارفان دروغین*، شاخصه‌های عرفان کاذب، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.

- شفیع سروستانی (۱۳۸۵)، *جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران*، قم: کتاب‌طه.
- شین، فلورانس اسکاول (۱۳۸۶): *چهار اثر از فلورانس اسکاول شین*، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: پیگان.
- طیب، مهدی؛ سرحق، سفینه؛ فروزبخش، محمود (۱۳۸۷): *راه‌های رسیدن به خدا*، تهران: راه نیکان.
- غباری‌ناب، باقر؛ متولی‌پور، عباس؛ حکیمی‌راد، الهام؛ حبیبی‌عسگرآبادی، مجتبی (۱۳۸۸): رابطه اضطراب و افسردگی با میزان معنویت در دانشجویان دانشگاه تهران، *روان‌شناسی کاربردی*، تابستان ۱۳۸۸، ۳ (۲) (پیاپی ۱۰): ۱۱۰-۱۲۳.
- فروزبخش، محمود (۱۳۸۸): *راه‌های رسیدن به خدا*، تهران: راه نیکان.
- فلاحتی، حمید (۱۳۸۹)، *شیطان‌گرایی مدرن*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- ----- (۱۳۸۹): *سای بابا*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- قاراخانی، معصومه (۱۳۸۶): دختران جوان و ارزش‌های زنانگی (پژوهشی در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران) *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۳، ش ۹، صص ۱۰۰-۷۳.
- قائمی‌فر، حسین؛ حمایت‌خواه جهرمی، مجتبی (۱۳۸۸): بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام‌نور جهرم، *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، سال اول، ش ۳، صص ۹۷-۸۳.
- کاستاندا، کارلوس (۱۳۷۵): *کاستاندا و آموزش‌های دون خوان*، تهران: میترا.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۶): *عرفان و تصوف*، قم: معارف.
- کانفیلد، جک (۱۹۴۴): *کلید کاربردی قانون جذب*، ترجمه نفیسه معتکف، تهران: درسا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، *تجدد و تشخیص* (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- لوسیر، مایکل (۱۳۸۹)، *قانون جذب*، ترجمه نفیسه معتکف، تهران: درسا.
- مانوئل، کاستلز (۱۳۸۰): *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)*، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ج ۱، تهران: طرح نو.
- مشکانی، عباسعلی؛ عبدالحسین، مشکانی (۱۳۸۰): «سای بابا: معنویت مخملین»، *ماهنامه معرفت*، اردیبهشت ۱۳۸۰، ش ۱۶۱.
- مشکاتی‌فر، رضا (۱۳۸۹): *اکنکار*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- مشکانی سبزواری، عبدالحسین (۱۳۸۹): *آیین ساحری کارلوس کاستاندا*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- مظاهری‌سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹)، *فالون دافا*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- ----- (۱۳۸۹): *آرامش در تنی ام*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- ----- (۱۳۸۹): *دنیای معنوی پائولو کوئیلو*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم.
- ----- (۱۳۸۹): *راه‌ها و بی‌راهه‌های عشق (اشو)*، ناشر شهاب‌الدین، مؤسسه فرهنگی هنری مسیا کیش، قم: مظاهری.
- Bagheri, Fariborsa, Akbarizadeh FatemehbFF, Hatami Hamidrezac (2010); *The relationship between spirituality and religiosity on psychological outcomes in adolescents and emerging adults: A meta-analytic (review) Social and Behavioral Sciences* 5 (2010) 1556–15611877-0428 .2010 Published by Elsevier Ltd.doi:10.1016/j.sbspro.2010.07.325WCPCG.

- Berzonsky, M. D. (2000); "Identity status, Identity processing style, and transition to University", *Journal of Adolescent Research*, January 1, 15(1),81-82.
- Chiu, I. (2001); "spiritual resources of Chinese immigrants with breast cancer in the USA", *International journal of nursing studies*, 38(2). www.SID.com.cognition and the psychology of ultimate concern.
- Cohen, S & Pressman, D.S. (2005); "Does positive affect influence concern with rigard to living status of the senior citizens journal of the contemporary spirituality", Sydney, Australia: HarperCollins Definition, description, and measurement, *Journal of Humanistic*.
- Elkins, D.N., Hedstrom, L.J., Hughes, L.L., Leaf, J.A. & Saunders, CDelaney Mary, (2002); *The emergent construct of spiritual intelligence: the synergy of science and spirit, Proquest information and learning company*, Arizona state university.
- Emmons, R.A. (2000); *Is spirituality an intelligence?*, Motivation, Encyclopedia, London, Boston: Routledge & Kegan Paul.
- Erikson, E. H, (1956); "The Problem of ego identity", *Journal of American Psychoanalytic Association*, 4, 1, PP 56-121.
- George, Mike (2006); "How intelligent are you...really? From IQ to EQ to SQ with a little intuition along the way", *Training and development methods*, Vol 20, PP 425-436.
- Koenig, H. G, King, D. E., & Hall, D. E. (2011); *Handbook of Religion and Health*, 2nd edition. New York: Oxford University Press.
- Kuper, Adam and Kuper, Jessica (1985); *The Social Science Litchfield, Bruce*, 1999, Spiritual intelligenc; Illini Christian faculty and staff. www. Uiuic-icfs.org.
- Marcia, J.E. (1989); *Identity diffusion differentiated*, Psychological Development. 8, PP 289-295.
- Marsiglia, F. F., Kulis, S., Nieri, T., et al. (2005); "God forbid! Substance use among religious and non-religious youth", *American Journal of Orthopsychiatry*, 75, 585-598. Review article Religion/spirituality and adolescent health outcomes: a review.
- McMullen brain (2003); "Spiritual intelligence", *Health module*, Vol 11, PP 60-61.
- Meyers, D. (2000); *The friends, funds, and faith of happy people*.
- Narayanasamy, A .& J. Owens (2001); "A critical incident study of nurses responses to the spiritual needs of their patients", *Journal of Advanced Nursing*, 333(4).
- Smith, T. B., McCullough, M. E, & Poll, J. (2003); "Religiousness and depression: Evidence for amain effect and the moderating influence of stressful life events", *Psychological Bulletin*, 129, PP 614-636.
- Vaughan, F. ( 2003); "What is spiritual intelligence?" *Journal of humanistic psychology*, 42, (2).
- Zohar, D. & Marshall, I. ( 2000); *SQ- Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*, London: Bloombury.